

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان، مارچ ۱۹۹۴م

بستر پیری

بگرفته گریبان مرا افسر پیری
از موی سپیدی زده تاجی به سر من

افکنده به سر پنجه زورآور پیری
آرامش من ، راحت من برده بتاراج

نامیده مرا پادشه کشور پیری
دارد اثر تلخ به کامم شکر و شیر

فوج غم افتادگی و لشکر پیری
بر مهر درخشان نتوان دیده گشودن

پستان به لبم داده مگر مادر پیری
در میکده ام ره ندهد رند خرابات

تا جلوه گر بخت شده اختر پیری
ضعف تنم از پای فکنده ست وز حسرت

باقامت خم گشته ولرزان سر پیری
ای عمر ز کف رفته چه انداخته ای باز

لب می گزم از قند لب دختر پیری
ای درد عجب با منت آهنگ مصافست

چون مشت سپندم ، به دل اخگر پیری
آن شاهد گلچهره دگر رام نگرده

در بستر بیماری و در سنگر پیری
هر لحظه به گوشتم رسد از قافله عمر

تادیده مرا هم سفر و همسر پیری
از شصت گذشتیم و شکستیم و خمیدیم

این نغمه دلگیر ز رامشگر پیری
آزده دل از ریشه دست و سر و پائیم

ای خاک سیه باد شود بر سر پیری

درمانده «اسیر» تو ز پرواز عجب نیست

ره یافته بر بال و پرش ، شهپر پیری